

# فهرست

## منطق دهم

درس‌نامه

پاسخ‌نامه

تست

- درس ۱: منطق، ترازوی اندیشه ۸ ————— ۹۸ ————— ۱۴۰
- درس ۲: لفظ و معنا ۱۰ ————— ۹۹ ————— ۱۴۱
- درس ۳: مفهوم و مصداق ۱۳ ————— ۱۰۰ ————— ۱۴۲
- درس ۴: اقسام و شرایط تعریف ۱۶ ————— ۱۰۲ ————— ۱۴۳
- درس ۵: اقسام استدلال استقرایی ۱۸ ————— ۱۰۳ ————— ۱۴۴
- درس ۶: قضیهٔ حملی ۲۱ ————— ۱۰۴ ————— ۱۴۵
- درس ۷: احکام قضایا ۲۴ ————— ۱۰۶ ————— ۱۴۶
- درس ۸: قیاس اقترانی ۲۷ ————— ۱۰۷ ————— ۱۴۸
- درس ۹: قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی ۲۹ ————— ۱۰۸ ————— ۱۵۰
- درس ۱۰: سنجشگری در تفکر ۳۲ ————— ۱۱۰ ————— ۱۵۱

## فلسفه یازدهم

درس‌نامه

پاسخ‌نامه

تست

- درس ۱: چیستی فلسفه ۳۵ ————— ۱۱۱ ————— ۱۵۲
- درس ۲: ریشه و شاخه‌های فلسفه ۳۷ ————— ۱۱۲ ————— ۱۵۴
- درس ۳: فلسفه و زندگی ۳۹ ————— ۱۱۳ ————— ۱۵۴
- درس ۴: آغاز تاریخی فلسفه ۴۱ ————— ۱۱۴ ————— ۱۵۶
- درس ۵: زندگی بر اساس اندیشه ۴۴ ————— ۱۱۵ ————— ۱۵۷

- درس ۶: امکان شناخت ————— ۴۶ ————— ۱۱۶ ————— ۱۵۸
- درس ۷: ابزارهای شناخت ————— ۴۸ ————— ۱۱۷ ————— ۱۵۹
- درس ۸: نگاهی به تاریخچهٔ معرفت ————— ۵۱ ————— ۱۱۸ ————— ۱۶۰
- درس ۹: چیستی انسان (۱) ————— ۵۴ ————— ۱۱۹ ————— ۱۶۲
- درس ۱۰: چیستی انسان (۲) ————— ۵۶ ————— ۱۲۰ ————— ۱۶۴
- درس ۱۱: انسان، موجود اخلاق‌گرا ————— ۵۹ ————— ۱۲۱ ————— ۱۶۵

## فلسفه دوازدهم

درس‌نامه

پاسخ‌نامه

تست

- درس ۱: هستی و چیستی ————— ۶۲ ————— ۱۲۲ ————— ۱۶۶
- درس ۲: جهان ممکنات ————— ۶۴ ————— ۱۲۳ ————— ۱۶۷
- درس ۳: جهان علی و معلولی ————— ۶۶ ————— ۱۲۵ ————— ۱۶۸
- درس ۴: کدام تصویر از جهان؟ ————— ۶۹ ————— ۱۲۶ ————— ۱۶۹
- درس ۵: خدا در فلسفه (۱) ————— ۷۳ ————— ۱۲۸ ————— ۱۷۰
- درس ۶: خدا در فلسفه (۲) ————— ۷۶ ————— ۱۲۹ ————— ۱۷۲
- درس ۷: عقل در فلسفه (۱) ————— ۸۰ ————— ۱۳۱ ————— ۱۷۴
- درس ۸: عقل در فلسفه (۲) ————— ۸۳ ————— ۱۳۲ ————— ۱۷۵
- درس ۹: آغاز فلسفه ————— ۸۶ ————— ۱۳۴ ————— ۱۷۶
- درس ۱۰: دورهٔ میانی ————— ۸۹ ————— ۱۳۵ ————— ۱۷۸
- درس ۱۱: دوران متأخر ————— ۹۲ ————— ۱۳۶ ————— ۱۷۹
- درس ۱۲: حکمت معاصر ————— ۹۵ ————— ۱۳۸ ————— ۱۸۱
- پاسخ‌نامهٔ کلیدی ————— ۱۸۴



درس‌نامه این درس را  
در صفحه ۱۴۸ بخوانید

پاسخ‌نامه این درس را  
در صفحه ۱۰۷ بخوانید

درس ۸

# قیاس اقترانی



۲۲۱- در کدام گزینه شکل سوم قیاس اقترانی به درستی آمده است؟

- (۱) هر کتابی نویسنده‌ای دارد، هر کتابی خواننده‌ای دارد.
- (۲) هر پرنده‌ای تخم‌گذار است، هر تخم‌گذاری بالدار است.
- (۳) بعضی انسان‌ها سفیدپوست‌اند، هر سفیدپوستی راه می‌رود.
- (۴) هر حیوانی جاندار است، هر نیازمند اکسیژنی جاندار است.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۲۲- در کدام گزینه شکل چهارم قیاس اقترانی آمده است؟

- (۱) هر جانوری مهره‌دار است، بعضی مهره‌داران پرنده هستند.
- (۲) بعضی کشتزارها دیمی هستند، بعضی باغ‌ها دیمی هستند.
- (۳) هر صنعتگری تنومند است، هر تنومندی ورزشکار است.
- (۴) بعضی ماهی‌ها پولک دارند، هر مهره‌داری ماهی است.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۲۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد قیاس اقترانی صحیح نیست؟

- (۱) قیاس اقترانی حمله از دو قضیه حمله تشکیل می‌شود و موضوع یا محمول یکی، قرین موضوع یا محمول دیگری می‌شود.
- (۲) اجزای نتیجه در قیاس اقترانی در میان مقدمات پخش شده‌اند؛ یعنی عین نتیجه و یا نقیض آن در مقدمات استدلال ذکر شده است.
- (۳) از دو قضیه‌ای که ارتباطی با یکدیگر ندارند، نتیجه‌ای به دست نمی‌آید و جزء مشترک میان دو قضیه این رابطه را برقرار می‌سازد.
- (۴) به جزء مشترک، حد وسط می‌گویند که در نتیجه قیاس اقترانی حذف می‌شود و در قیاس اقترانی اجزای نتیجه در میان مقدمات پخش شده‌اند.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۲۴- در کدام مورد دچار مغالطه حد وسط نشده‌ایم؟

- (۱) در باز است، هر بازی پرنده است؛ هر دری پرنده است.
- (۲) کره از شیر است، شیر مایع است؛ کره مایع است.
- (۳) انگور شیرین است، شیرین همسر خسرو است؛ انگور همسر خسرو است.
- (۴) سعدی انسان است، هر انسانی ناطق است؛ سعدی ناطق است.

۲۲۵- در کدام یک از موارد زیر مغالطه حد وسط وجود دارد؟

- (۱) علی در کشتی است، کشتی حرکت می‌کند؛ علی حرکت می‌کند.
- (۲) زمین دارای حیات است، زمین یک سیاره است؛ بعضی دارای حیات‌ها یک سیاره هستند.
- (۳) هر دوزیستی جاندار است، هر جاننداری موجود مادی است؛ هر دوزیستی موجود مادی است.
- (۴) هر فلزی رسانا است، هیچ رسانایی چوب نیست؛ هیچ فلزی چوب نیست.

## قانون نتیجه قیاس

۲۲۶- اگر نتیجه یک قیاس «هر الف ب است» باشد، کدام مطلب قطعاً درست است؟

- (۱) شکل اول یا سوم نیست.
- (۲) الف در مقدمه دوم موضوع است.
- (۳) مقدمه‌ها یکی‌شان سالبه است.
- (۴) ب در مقدمه دوم قرار می‌گیرد.

۲۲۷- نتیجه قیاس «هر مربعی شکل است، هیچ شکلی زنده نیست» چگونه است و دامنه مصادیق محمول در نتیجه چگونه است؟

- (۱) موجبه جزئی - منفی
- (۲) سالبه کلی - مثبت
- (۳) سالبه جزئی - منفی
- (۴) موجبه کلی - مثبت

۲۲۸- نتیجه کدام یک از قیاس‌های زیر می‌تواند موجبه کلی باشد؟

- (۱) هر الف ب است، هر الف ج است.
- (۲) هیچ الف ب نیست، هر ب ج است.
- (۳) هر ب ج است، بعضی الف ج نیست.
- (۴) بعضی ج الف است، هر الف ب است.

۲۲۹- در کدام یک از استدلال‌های زیر قانون نتیجه قیاس رعایت نشده است؟

- (۱) هر الف ب است، هر ب ج است؛ هر الف ج است.
- (۲) هیچ الف ب نیست، هیچ ب ج نیست؛ هیچ الف ج نیست.
- (۳) هر الف ب است، بعضی ب ج نیست؛ بعضی الف ج است.
- (۴) هر الف ب است، هیچ ب ج نیست؛ هیچ الف ج نیست.

## دامنه مصادیق موضوع و محمول

۲۳۰- کدام یک از گزینه‌های زیر در رابطه با دامنه مصادیق موضوع و محمول درست است؟

- (۱) در قضایای موجبه همه مصادیق موضوع مورد نظر گوینده است.
- (۲) در قضایای سالبه همه مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است.
- (۳) در قضایای موجبه برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده است.
- (۴) در قضایای موجبه برخی از مصادیق موضوع مورد نظر گوینده است.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۳۱- دامنه مصادیق موضوع و محمول در کدام گزینه به درستی بیان نشده است؟

- (۱) بعضی دانش‌آموزان (-) امروز تعطیل (-) هستند.
- (۲) سعدی (+) استاد سخن پارسی (-) است.
- (۳) هیچ فردی (+) به این مکان اجازه ورود (-) ندارد.
- (۴) هر انسانی (+) به طور طبیعی از اندیشه (-) بهره می‌برد.

۲۳۲- به ترتیب دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول قضایای «هر فلزی هادی الکتریسیته است.»، «هیچ چوبی هادی الکتریسیته نیست.» و «برخی اشیای هادی الکتریسیته نیستند.» در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- (۱)  $(- / -) (+ / +) (- / +)$  (۲)  $(+ / -) (+ / +) (- / +)$  (۳)  $(- / -) (- / +) (+ / +)$  (۴)  $(+ / -) (- / +) (+ / +)$

۲۳۳- دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول در کدام گزینه به درستی بیان نشده است؟

- (۱) همهٔ ایرانی‌ها + مسلمان + هستند. - علی + ایرانی - است - علی + مسلمان - است.  
 (۲) هیچ درختی + بی‌برگ + نیست. - هر میوه‌ای + بی‌برگ - است - هیچ درختی + میوه + نیست.  
 (۳) احمد + انسان - است. - هر انسانی + دو پا - دارد - احمد + دو پا - دارد.  
 (۴) هیچ الف + ب + نیست. - هر ج + الف - است - هیچ ج + ب + نیست.

۲۳۴- دامنهٔ مصادیق موضوع یا محمول کدام یک از موارد زیر یکسان نیست؟

- (الف) هیچ ظلمی خوشایند نیست. (ب) افلاطون از فلاسفهٔ یونان باستان است.  
 (پ) بعضی دانش‌آموزان علوم انسانی درس می‌خوانند. (ت) بعضی استان‌های کشور ایران سرسبز هستند.  
 (۱) الف و ب (۲) پ و ت (۳) الف و پ (۴) ت و ب

۲۳۵- در کدام گزینه علامت‌گذاری مثبت و منفی را در مقدمات به درستی رعایت کرده‌ایم؟

- (۱) هر درختی + برگ - دارد، بعضی برگ‌دارها + گل - هستند.  
 (۲) هر الف + ب - است، هیچ ب + د - نیست.  
 (۳) بعضی سنگ‌ها - سیاه - هستند، هیچ سیاهی + برف - نیست.  
 (۴) هیچ مدادی + جوهر + ندارد، هر جوهری + آبی - است.

## شرایط معتبر بودن قیاس

۲۳۶- در قیاس زیر، کدام یک از شرایط اعتبار رعایت نشده است؟

- «هر کتابی خواندنی است، بعضی کتاب‌ها فلسفی هستند؛ هر خواندنی فلسفی است.»  
 (۱) شرط اول (۲) شرط دوم (۳) شرط سوم (۴) قیاس معتبر است.

۲۳۷- قیاس زیر شکل چندم قیاس است؟ آیا این قیاس معتبر است؟

- «هیچ الف ب نیست، بعضی ج ب است؛ پس هیچ الف ج نیست.»  
 (۱) شکل دوم - بله (۲) شکل سوم - خیر (۳) شکل دوم - خیر (۴) شکل سوم - بله

۲۳۸- اشکال قیاس مطرح شده در کدام گزینه متفاوت با سایر گزینه‌ها می‌باشد؟

- (۱) هر ایرانی آسیایی است، هیچ آسیایی اروپایی نیست؛ هر ایرانی اروپایی است.  
 (۲) بعضی گوشت‌ها حلال هستند، بعضی گوشت‌ها حرام هستند؛ بعضی حلال‌ها حرام هستند.  
 (۳) بعضی رنگ‌ها قرمز هستند، بعضی لباس‌ها قرمز هستند؛ بعضی رنگ‌ها لباس هستند.  
 (۴) بعضی حیوانات سخنگو هستند، هر انسانی حیوان است؛ بعضی سخنگوها حیوان هستند.

۲۳۹- اگر در یک قیاس شکل چهارم، مقدمهٔ اول جزئی‌تر باشد و مقدمهٔ دوم موجهه، چه مطلبی در مورد آن صادق است؟

- (۱) علامت حد وسط فقط در مقدمهٔ اول منفی است. (۲) قیاس نامعتبر است.  
 (۳) نتیجه حتماً جزئی‌تر است. (۴) علامت حد وسط در هر دو مثبت است.

۲۴۰- کدام یک از قیاس‌های زیر نتیجهٔ معتبر دارند؟

- (۱) هر الف ب است، هیچ ب ج نیست. (۲) بعضی الف ب نیست، هیچ ب ج نیست.  
 (۳) هر الف ب است، بعضی ب ج است. (۴) هیچ الف ب نیست، هیچ الف ج نیست.

۲۴۱- در رابطه با قیاس زیر چه می‌توان گفت؟

- «بعضی الف ج است، هر ب الف است؛ بعضی ج ب است.»  
 (۱) معتبر است و بدون اشکال می‌باشد. (۲) معتبر نیست؛ زیرا حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.  
 (۳) معتبر نیست؛ زیرا هر دو مقدمهٔ آن موجهه هستند. (۴) معتبر نیست؛ زیرا ب در مقدمهٔ دوم علامت منفی دارد.

۲۴۲- چرا قیاس زیر معتبر نیست؟

- هر فوتبالیستی انسان است.  
 بعضی انسان‌ها سیاه‌پوست هستند.  
 پس بعضی فوتبالیست‌ها سیاه‌پوست هستند.  
 (۱) حد وسط در هر دو مقدمه (-) است.  
 (۲) هر دو مقدمه موجهه هستند.  
 (۳) علامت مثبت موضوع در نتیجه با مقدمات تطابق ندارد. (۴) علامت منفی محمول در نتیجه با مقدمات تطابق ندارد.

۲۴۳- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر نیست؟

- ۱) بعضی دانش‌آموزها درس خوان هستند، هیچ درس‌خوانی تنبل نیست؛ بعضی دانش‌آموزان تنبل نیستند.
- ۲) هر فیلسوفی انسان است، هر انسانی فکر می‌کند؛ هر فیلسوفی فکر می‌کند.
- ۳) بعضی انسان‌ها سفیدپوست هستند، هیچ سفیدپوستی سیاه‌پوست نیست؛ بعضی انسان‌ها سیاه‌پوست نیستند.
- ۴) هیچ گیاهی حیوان نیست، بعضی حیوان‌ها انسان نیستند؛ بعضی گیاهان انسان نیستند.

۲۴۴- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟

- |                    |                    |                  |                  |
|--------------------|--------------------|------------------|------------------|
| ۱) هیچ الف ب نیست. | ۲) هیچ الف ب نیست. | ۳) هر الف ب است. | ۴) هر الف ب است. |
| هیچ ب ج نیست.      | بعضی الف ج است.    | بعضی ب ج است.    | بعضی ج الف است.  |
| هر الف ج است.      | بعضی الف ج است.    | بعضی الف ج است.  | بعضی ب ج است.    |

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۴۵- در کدام گزینه شرط دوم معتبر بودن قیاس، رعایت نشده است؟

- ۱) هیچ گرگی بالدار نیست، هیچ گرگی تخم‌گذار نیست؛ هیچ بالدار تخم‌گذار نیست.
- ۲) هیچ پرنده‌ای گرگ نیست، برخی پرنده‌ها تخم‌گذارند؛ برخی گرگ‌ها تخم‌گذار نیستند.
- ۳) هر ماری حیوان است، برخی حیوانات خونگرم هستند؛ برخی مارها خونگرم هستند.
- ۴) هر پرنده‌ای حیوان است، هیچ سنگی حیوان نیست؛ هیچ پرنده‌ای سنگ نیست.

۲۴۶- برای تبدیل قیاس زیر به یک قیاس معتبر چه کاری می‌توانیم بکنیم؟

«هیچ الف ب نیست، بعضی ج ب است؛ هیچ الف ج نیست.»

- ۱) مقدمه دوم را به یک قضیه سالبه تبدیل کنیم.
- ۲) مقدمه اول را به یک قضیه موجه تبدیل کنیم.
- ۳) مقدمه اول را به قضیه جزئی تبدیل کنیم.
- ۴) مقدمه دوم را به قضیه کلی تبدیل کنیم.

۲۴۷- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟

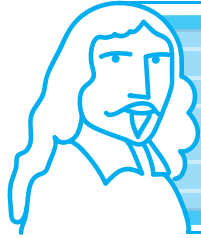
- ۱) بعضی ج ب نیست، بعضی الف ب است؛ بعضی الف ج نیست.
- ۲) هر ب ج است، بعضی الف ب نیست؛ هیچ الف ج نیست.
- ۳) بعضی الف ب نیست، هر ب ج است؛ بعضی الف ج نیست.
- ۴) هیچ ج ب نیست، هر الف ب است؛ هیچ ج الف نیست.

۲۴۸- اگر نتیجه قیاس شکل اول معتبری، موجه کلی باشد، کدام گزینه صحیح خواهد بود؟

- ۱) مقدمه دوم حتماً جزئی است.
- ۲) مقدمه اول حتماً کلی است.
- ۳) مقدمه دوم ممکن است سالبه باشد.
- ۴) مقدمه اول حتماً سالبه خواهد بود.

۲۴۹- اگر نتیجه قیاسی معتبر از شکل دوم سالبه جزئی باشد، کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) هر دو مقدمه آن نمی‌تواند موجه باشد.
- ۲) مقدمه دوم ممکن است جزئی باشد.
- ۳) مقدمه اول الزاماً باید کلی باشد.
- ۴) مقدمه دوم می‌تواند سالبه باشد.



درس‌نامه این درس را  
در صفحه ۱۵۲ بخوانید

پاسخ‌نامه این درس را  
در صفحه ۱۱۱ بخوانید

درس ۱

# چیستی فلسفه



## انسان و تفکر

۳۰۸- کدام سؤال نمی‌تواند جزء سؤالات بنیادی انسان قرار بگیرد؟

- ۱) عدالت چگونه در دادگاه برقرار می‌شود؟
- ۲) آیا انسان آزاد است یا مجبور؟
- ۳) چرا انسان درد و رنج می‌کشد؟
- ۴) چگونه می‌توان به خوشبختی و سعادت رسید؟

۳۰۹- ترتیب درست برای مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر در انسان کدام است؟

- |                          |                       |                    |                    |
|--------------------------|-----------------------|--------------------|--------------------|
| الف) روبه‌روشدن با مسئله | ب) تفکر در اندوخته‌ها | پ) طرح سؤال        | ت) رسیدن به پاسخ   |
| ۱) الف - ب - پ - ت       | ۲) پ - الف - ب - ت    | ۳) الف - پ - ب - ت | ۴) ب - پ - الف - ت |

۳۱۰- سومین مرحله برای اندیشیدن فلسفی کدام است؟

- ۱) روبه‌روشدن با مجهولات فلسفی
- ۲) طرح پرسش‌های فلسفی
- ۳) رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها
- ۴) رسیدن به دریافت فلسفی

۳۱۱- ملاصدرا تفکر فلسفی را کدام نوع فطرت می‌داند و چرا می‌گوید انسان باید سعی کند به آن برسد؟

- ۱) فطرت اول - زیرا مرحله عالی‌تری از دانش است و شایسته است انسان به آن برسد.
- ۲) فطرت ثانی - زیرا مرحله عالی‌تری از دانش است و شایسته است انسان به آن برسد.
- ۳) فطرت اول - زیرا انسان اگر به این تفکر نرسد به مراحل اصلی انسانیت نرسیده است.
- ۴) فطرت ثانی - زیرا انسان اگر به این تفکر نرسد به مراحل اصلی انسانیت نرسیده است.

۳۱۲- کدام یک نمی‌تواند تعریف مناسبی برای فلسفه باشد؟

- ۱) تلاش بشر برای پاسخ قانونمند به سؤالات نهادی
- ۲) بررسی قانونمند سؤالات بنیادین
- ۳) دوستداری دانش و بررسی سؤالات اصلی بشر
- ۴) تفکر منطقی برای دریافت پاسخ سؤالات تخصصی

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۳۱۳- کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند یک پرسش فلسفی باشد؟

- ۱) آیا مسلمان بودن و ایرانی بودن با یکدیگر مساوی است؟
- ۲) آیا ممکن است در سیارات دیگر نیز موجوداتی زندگی کنند؟
- ۳) آیا کوچک‌ترین ذرات تشکیل‌دهنده موجودات اتم است؟
- ۴) آیا پدیده‌های طبیعت واقعاً همان هستند که به نظر می‌رسند؟

۳۱۴- کدام مورد از ویژگی‌های سؤالات بنیادی است؟

- ۱) برای هر انسانی ممکن است پیش بیایند، اما تنها فیلسوف به آن‌ها توجه می‌کند.
- ۲) بررسی آن‌ها توسط افراد مختلف به شکل‌گیری دانش فلسفه منجر شد.
- ۳) یافتن پاسخ آن‌ها در تصمیم‌گیری همه افراد و نتایج اعمالشان تأثیرگذار است.
- ۴) از همان ابتدا تمامی انسان‌ها اهمیت این سؤالات را دریافته‌اند و به دنبال پاسخ بوده‌اند.

۳۱۵- کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) پرداختن به امور عادی و روزمره در نظر ملاصدرا فطرت اول است.
- ۲) ملاصدرا پرداختن انسان به فطرت اول را بی‌ارزش می‌داند.
- ۳) فطرت ثانی مرحله‌ای فراتر از فطرت اول و برابر با تفکر فلسفی است.
- ۴) تفکر فلسفی، یعنی به صورت جدی و پیوسته به سؤالات بنیادی بپردازیم.

۳۱۶- در رابطه با تفکر فلسفی و تفاوت آن با تفکر غیرفلسفی، می‌توان گفت .....

- ۱) روبه‌روشدن با مجهول‌ها و مسائل فلسفی وقتی ممکن است که از مرحله اول تفکر فراتر برویم.
- ۲) شرط ورود به تفکر فلسفی این است که به سؤال‌های معمولی و روزانه اهمیت ندهیم.
- ۳) هر انسانی با هر شغلی می‌تواند به سؤالات فلسفی به صورت جدی و پیوسته بپردازد.
- ۴) اولین مرحله در تفکر فلسفی طرح پرسش فلسفی است که برای هر فردی ممکن است.

## دانش فلسفه

۳۱۷- به تلاش «قانونمند» انسان برای پاسخگویی به مسائل بنیادین چه نامی می‌توان نهاد؟

- (۱) سوفیسم (۲) فلسفه اولی (۳) فلسفه (۴) دانش منطق

۳۱۸- کدام یک از مراحل زیر جزء مراحل پاسخ به سؤالات فلسفی نیست؟

- (۱) روبه‌روشدن با مجهولات فلسفی (۲) طرح پرسش‌های فلسفی  
(۳) بررسی مبانی فکری پدیدآورندگان علم (۴) رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها

## واژه فلسفه

۳۱۹- واژه فلسفه متعلق به چه زبانی می‌باشد و کدام مطلب در رابطه با آن صحیح است؟

- (۱) یونانی - معنای امروزی آن در فلسفه ارسطو مورد توجه نبوده و ارسطو از آن به عنوان مطلق دانش بهره برده است.  
(۲) عربی - معنای امروزی آن برابر با معنای ابتدایی کلمه سفسطه می‌باشد و هر دوی آن‌ها از یک زبان ریشه گرفته شده‌اند.  
(۳) یونانی - از کلمه یونانی فیلسوفیا گرفته شده است که خود آن ترکیبی از دو کلمه فیلو به معنای دوستدار و سوفیا به معنای دانایی می‌باشد.  
(۴) عربی - معنای ابتدایی آن را برای اولین بار سقراط مورد استفاده قرار نداده است، اما وی این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد.

۳۲۰- در رابطه با کسانی که معنای ابتدایی سوفیست را بر خود نهاده بودند، می‌توان گفت .....

- (۱) برای مقابله با رقبای خود از استدلال‌هایی استفاده می‌کردند که به ظاهر غلط بود.  
(۲) چون برای حقیقت ارزش قائل نبودند به استفاده از مغالطات همت گماشتند.  
(۳) مهم‌ترین هدف خود را پیروزی بر رقیب از هر طریق ممکن می‌دانستند.  
(۴) در نظر آن‌ها امکان ندارد که دو انسان فهم یکسانی از یک مطلب داشته باشند.

۳۲۱- فلسفه به معنای امروزی در تقسیم‌بندی که ارسطو از علوم ارائه داده است چه نام دارد و ریاضیات و طبیعیات را به ترتیب در کدام دسته‌بندی قرار داده است؟

- (۱) فلسفه نظری - فلسفه وسطی - فلسفه اولی  
(۲) فلسفه اولی - فلسفه سفلی - فلسفه وسطی  
(۳) فلسفه اولی - فلسفه وسطی - فلسفه سفلی  
(۴) فلسفه نظری - فلسفه نظری - فلسفه نظری

۳۲۲- چرا سقراط خود را برخلاف اکثر دانشمندان زمان خودش، فیلسوف نامید؟

- (۱) برای نشان دادن اهمیت علم و دانش  
(۲) به دلیل تواضع و فروتنی و دوری از ارزش‌های سوفیست‌ها  
(۳) به دلیل علاقه به تفکر در فلسفه و سؤالات اصلی بشر  
(۴) به دلیل رفتار نادرست دانشمندان زمانه خودش

۳۲۳- واژه فلسفه در گذر زمان به ترتیب چه معانی به خود گرفته است؟

- (۱) دوستداری دانایی - مطلق دانش - دانش خاص  
(۲) مطلق دانش - دوستداری دانایی - دانش خاص  
(۳) دوستداری دانایی - دانش خاص - مطلق دانش  
(۴) دانش خاص - دوستداری دانایی - مطلق دانش

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۳۲۴- معانی اولیه کلمات فیلسوفیا، سوفیست و فیلسوفوس به ترتیب عبارت‌اند از: .....

- (۱) دوستداری دانایی - مغالطه‌کار - دانشمند  
(۲) دوستدار دانش - مغالطه‌کار - دانشمند  
(۳) دوستداری دانایی - دانشمند - دوستدار دانش  
(۴) دوستدار دانش - دانشمند - دوستداری دانایی

۳۲۵- در رابطه با کلمه فیلسوفیا می‌توان گفت .....

- (۱) ارسطو این واژه را به عموم مردم شناساند و معرفی کرد.  
(۲) ترکیبی از فیلو به معنای دانایی و سوفیا به معنای دوستداری است.  
(۳) در ابتدا در مورد تمامی دانش‌ها مطرح بوده است.  
(۴) امروزه شکل عربی‌شده آن به معنای دانشمند است.

۳۲۶- فلسفه در نظر ارسطو به چه معنی بود و چرا شاگردان ارسطو به فلسفه اولی، مابعدالطبیعه می‌گفتند؟

- (۱) مطلق دانش - طرح مباحث فلسفی بعد از بخش فیزیک توسط ارسطو  
(۲) دانش فلسفه - پرداختن ارسطو به مفاهیمی فراتر از مفاهیمی طبیعی  
(۳) مطلق دانش - نحوه تنظیم نوشته‌های ارسطو توسط شاگردان وی  
(۴) دانش فلسفه - اهمیت بیشتر فلسفه نسبت به علوم طبیعی در نزد ارسطو

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۳۲۷- منظور از مغالطه در استدلال سوفیست‌ها چیست؟

- (۱) به کار بردن استدلال‌های درست که ظاهراً غلط به نظر می‌رسند.  
(۲) قائل شدن به استقلال واقعیت و جدایی آن از ادراک آدمی  
(۳) به کار بردن استدلال‌های غلط و به ظاهر درست  
(۴) ارزش و اعتبار بخشیدن به حقیقت و واقعیت در سایه ادراک انسان

۳۲۸- دلیل احتمالی سقراط برای این که مایل نبود تا او را سوفیست بخوانند چه بود؟

- (۱) تواضع و فروتنی در برابر دانایی (۲) ترجیح دادن بیان حقیقت بر مغالطه (۳) هم‌ردیف‌نشدن با سوفیست‌ها (۴) علاقه داشتن وی نسبت به فلسفه

۳۲۹- در رابطه با عقاید سوفیست‌ها کدام گزینه درست است؟

- (۱) گسترش و بیان مغالطات را مهم‌ترین هدف خود می‌دانستند.  
(۲) از مغالطاتی بهره می‌بردند که در واقع درست بودند.  
(۳) درک انسان از هر چیزی را برابر با حقیقت و واقعیت معرفی می‌کردند.  
(۴) آن‌ها تنها در مقام سخنوری و وکالت از حقیقت دفاع می‌کردند.

## ویژگی‌های فلسفه

۳۳۰- فلسفه از جهت روش، بیشترین شباهت را با کدام یک از علوم زیر دارد؟

- (۱) فیزیک (۲) ریاضی (۳) الهیات (۴) زیست‌شناسی

۳۳۱- تفاوت دانش‌های مختلف با یکدیگر چگونه ایجاد می‌شود؟

- (۱) موضوع دانش - روش علمی مربوط به هر دانش  
(۲) موضوع دانش - سؤالات و پاسخ‌های اصلی هر علم  
(۳) روش علمی مربوط به هر دانش - سؤالات و پاسخ‌های اصلی علم  
(۴) مجموعه مفاهیم اولیه هر علم - نوع نگرش دانشمندان به سؤالات بنیادین

۳۳۲- در فلسفه کدام یک از موارد زیر مطرح نیست؟

- (۱) روش‌های تجربی (۲) استدلال‌های عقلی و منطقی  
(۳) مسئله‌های فلسفی از چه جهتی شبیه مسئله‌های ریاضی هستند؟  
(۴) روبه‌روشدن با مجهولات فلسفی (۴) بررسی مسائل بنیادین علوم دیگر  
(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(۱) فقط با عملیات فکری می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.

(۳) میکروسکوپ و آزمایشگاه در حل آن‌ها نقش دارند.

(۲) تجربه و حواس به حل آن‌ها کمک می‌کند.

(۴) با گرفتن آمار از نظرات دیگران می‌توان به حل آن‌ها پرداخت.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۳۳۳- در کدام گزینه سؤالی فلسفی مطرح شده و روش رسیدن به پاسخ آن به درستی بیان شده است؟

(۱) آیا تنها جهان موجود همین جهان مادی و طبیعی است؟ (روش تجربه و آزمایش)

(۲) آیا جریان علم مبتنی بر احتمالات پیش می‌رود؟ (روش استقراء و تجربه)

(۳) آیا هر چیزی دارای علت است؟ (روش قیاس و استدلال)

(۴) پیرشدن سلول‌های انسان در اثر کدام عامل شیمیایی است؟ (روش استدلال عقلی)

۳۳۵- تفاوت بنیادی فلسفه و علوم دیگر در چیست؟

- (۱) بهره‌گیری از قیاس (۲) پاسخگویی به سؤالات بشر  
(۳) موضوع مورد بررسی (۴) روش حل مسئله

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۳۳۶- کدام گزینه پیرامون موضوع مورد مطالعه فلسفه نادرست است؟

(۱) به موضوعی خاص از موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازد.

(۳) در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می‌کند.

(۲) بنیادی‌ترین و نهادی‌ترین موضوعات جهان و انسان را بررسی می‌کند.

(۴) تلاش می‌کند به عمیق‌ترین دغدغه‌های بشری پاسخ دهد.

۳۳۷- در رابطه با تفاوت فلسفه و سایر علوم می‌توان گفت .....

(۱) مسائلی که در علوم دیگر مطرح می‌گردند پایه مسائلی فلسفی قرار می‌گیرند.

(۲) در فلسفه برخلاف سایر علوم، جهان و انسان مطالعه می‌شود.

(۳) در فلسفه مانند علوم ریاضی و جامعه‌شناسی از روش تجربی بهره نمی‌بریم.

(۴) علوم به موضوعی خاص می‌پردازند، اما فلسفه به دنبال حقیقت و اساس هر چیزی است.



۲۲۱- گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۲ و ۳ شکل اول قیاس اقترانی هستند. ۴ شکل دوم قیاس اقترانی است.

۲۲۲- گزینه ۴ در شکل چهارم قیاس اقترانی حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول قرار می‌گیرد.

۲۲۳- گزینه ۲ عبارت دوم این گزینه در رابطه با قیاس استثنایی می‌باشد و نه قیاس اقترانی.

۲۲۴- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۱ باز در مقدمه اول به معنی گشوده و در مقدمه دوم به معنی نوعی پرنده است. ۲ حد وسط در مقدمه اول «از شیر» و در مقدمه دوم «شیر» است. ۳ شیرین در مقدمه اول به معنای یک مزه است، اما شیرین در مقدمه دوم به معنای یک اسم فرد است.

۲۲۵- گزینه ۱ حد وسط در مقدمه اول «در کشتی» و در مقدمه دوم «کشتی» است؛ بنابراین از نظر ظاهری یکی نبوده و حاوی مغالطه حد وسط است.

۲۲۶- گزینه ۴ همواره موضوع نتیجه از مقدمه اول استدلال و محمول آن نتیجه از مقدمه دوم استدلال می‌آید.

بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۱ دلیلی ندارد که شکل اول یا سوم نباشد. ۲ الف در مقدمه اول قرار می‌گیرد. ۳ اگر مقدمه‌ای سالبه بود، باید این نتیجه نیز سالبه می‌شد.

۲۲۷- گزینه ۲ طبق قانون نتیجه قیاس اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه نیز حتماً سالبه خواهد بود؛ بنابراین دامنه مصادیق محمول نتیجه قیاس به دلیل سالبه بودن آن مثبت خواهد بود.

۲۲۸- گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۲ نتیجه این قیاس، سالبه خواهد بود. ۳ نتیجه این قیاس، سالبه خواهد بود. ۴ نتیجه این قیاس، جزئی خواهد بود، زیرا اگر کلی باشد، با توجه به علامت (-)، (ج) در مقدمه قیاس نامعتبر خواهد بود.

۲۲۹- گزینه ۳ با توجه به یکی از قوانین نتیجه قیاس اگر یکی از مقدمات قیاس سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه خواهد بود، در حالی که در این قیاس نتیجه به صورت موجب آورده شده است.

۲۳۰- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۱ و ۴ در قضایای موجب موجب برخی مصادیق محمول مورد نظر گوینده است. ۲ در قضایای سالبه تمامی مصادیق محمول مورد نظر گوینده است.

۲۳۱- گزینه ۳ اگر قضیه سالبه باشد، دامنه مصادیق محمول آن منفی خواهد بود؛ یعنی گوینده سخن تمامی مصادیق محمول را مد نظر دارد.

۲۳۲- گزینه ۲

◀ هر فلزی (+) هادی الکتریسیته (-) است.

◀ هیچ چوبی (+) هادی الکتریسیته (+) نیست.

◀ برخی اشیا (-) هادی الکتریسیته (+) نیستند.

۲۳۳- گزینه ۱ مسلمان در مقدمه اول باید علامت منفی داشته باشد، زیرا محمول قرار گرفته و قضیه موجب می‌باشد.

۲۳۴- گزینه ۳ در مورد (الف) موضوع و محمول دارای علامت مثبت است، در حالی که در مورد (پ) موضوع و محمول دارای علامت منفی است.

۲۳۵- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۱ «برگ‌دارها» در این جمله باید علامت منفی داشته باشد؛ زیرا سور آن جزئی است. ۲ (د) در قضیه دوم باید علامت مثبت داشته باشد؛ زیرا قضیه سالبه است. ۳ (برف) در قضیه دوم باید علامت مثبت داشته باشد؛ زیرا قضیه سالبه است.

۲۳۶- گزینه ۳ موضوع نتیجه علامت مثبت دارد، در حالی که در مقدمه اول دارای علامت منفی است؛ بنابراین شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است.

۲۳۷- گزینه ۳ حد وسط در هر دو مقدمه محمول قرار گرفته است؛ بنابراین قیاس شکل دوم می‌باشد.

(ج) در نتیجه علامت مثبت دارد، در حالی که در مقدمه دوم علامت منفی دارد؛ بنابراین این استدلال شرط سوم اعتبار را ندارد.

۲۳۸- گزینه ۱ در گزینه (۱) قانون نتیجه قیاس رعایت نشده است؛ زیرا اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه نیز حتماً سالبه خواهد بود. در سایر موارد شرط دوم اعتبار قیاس اقترانی، یعنی منفی نبودن حد وسط در هر دو مقدمه رعایت نشده است.

۲۳۹- گزینه ۲ در شکل چهارم حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول قرار می‌گیرد؛ بنابراین در چنین حالتی در هر دو مقدمه علامت منفی خواهد داشت و قیاس نامعتبر خواهد بود.

۲۴۰- گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۲ و ۴ هر دو مقدمه سالبه است. ۳ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

۲۴۱- گزینه ۲ در این استدلال شرط دوم اعتبار قیاس اقترانی رعایت نشده است و حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است.

۲۴۲- گزینه ۱ حد وسط در مقدمه اول محمول است، در حالی که نسبت آن موجه می‌باشد و در مقدمه اول موضوع می‌باشد که سور جزئی دارد؛ بنابراین در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

۲۴۳- گزینه ۴ هر دو مقدمه این قیاس سالبه است، در حالی که طبق شرط اول اعتبار قیاس اقترانی هر دو مقدمه قیاس نباید سالبه باشند.

۲۴۴- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۱ هر دو مقدمه سالبه است. ۲ یکی از مقدمات سالبه است؛ بنابراین نتیجه هم باید سالبه باشد. ۳ حد وسط در هر دو مقدمه علامت (-) دارد.

۲۴۵- گزینه ۳ حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است، در حالی که طبق شرط دوم اعتبار قیاس، حد وسط در هر دو مقدمه نمی‌تواند دارای علامت منفی باشد.

۲۴۶- گزینه ۴ این قیاس شرط سوم اعتبار قیاس اقترانی را ندارد؛ زیرا محمول نتیجه که علامت مثبت دارد، در مقدمه دوم علامت منفی دارد؛ بنابراین برای تصحیح آن می‌توان مقدمه دوم را به مقدمه‌ای کلی بدل کرد.

۲۴۷- گزینه ۴ در سایر موارد شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است. بررسی سایر گزینه‌ها؛ ۱، ۲ و ۳ (ج) در نتیجه دارای علامت مثبت و در مقدمه دارای علامت منفی است.

۲۴۸- گزینه ۲ موضوع در نتیجه دارای علامت مثبت است؛ بنابراین همان موضوع در مقدمه اول نیز دارای علامت مثبت و کلی است.

۳۰۸- گزینه ۱ سؤالی بنیادی است که به اصل و حقیقت یک موضوع پرداخته باشد. سایر گزینه‌ها چنین سؤالی را بیان می‌کنند، در حالی که سؤال گزینه (۱) در رابطه با یک امر جزئی و غیرفلسفی است.

۳۰۹- گزینه ۳ مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر در انسان به صورت زیر است:

روبروشدن با مسئله ← طرح سؤال ← تفکر در اندوخته‌ها ← رسیدن به پاسخ

۳۱۰- گزینه ۳ مراحل تفکر فلسفی به صورت زیر است:

روبروشدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی ← طرح پرسش‌های فلسفی ← رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال ← رسیدن به دریافت فلسفی و دریافت شناخت و معرفت

۳۱۱- گزینه ۲ ملاصدرا ورود به قلمرو پرسش‌های فلسفی را فطرت ثانی یا همان فطرت دوم می‌داند و معتقد است ماندن در فطرت اول شایسته انسان نیست و انسان باید به فطرت ثانی که مرحله‌ای عالی‌تر و برتر است برسد.

۳۱۲- گزینه ۴ تعریف ارائه‌شده در گزینه ممکن است شامل هر علم دیگری نیز بشود.

۳۱۳- گزینه ۴ سؤالی فلسفی است که در رابطه با موضوعی بنیادی باشد. سؤال گزینه (۴) در رابطه با واقعی بودن یا نبودن جهان پیرامون ما مطرح گشته است که موضوعی بنیادی است.

۳۱۴- گزینه ۳ این قبیل سؤال‌ها مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی است که بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع‌کننده برای آن‌ها، تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید. بنابراین رسیدن به پاسخ آن‌ها نهایتاً در تصمیم‌گیری همه افراد اثرگذار است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ برای هر انسانی ممکن است پیش بیاید و بعضی انسان‌ها هم با این که فیلسوف نیستند به آن‌ها می‌پردازند، اما فیلسوف به صورت قانونمند و تخصصی برای یافتن پاسخ آن‌ها تلاش می‌کند. ۲ بررسی قانونمند و تخصصی آن‌ها توسط فلاسفه منجر به شکل‌گیری دانش فلسفه شد، نه افراد مختلف. ۴ تنها بعضی از افراد اهمیت این‌گونه سؤالات را دریافته‌اند و به دنبال یافتن پاسخ برآمده‌اند.

۳۱۵- گزینه ۲ ملاصدرا پرداختن به فطرت اول را بی‌ارزش نمی‌داند، بلکه گرفتارشدن در آن و عبور نکردن از آن به فطرت ثانی را شایسته انسان نمی‌داند.

۳۱۶- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ تمامی انسان‌ها با مجهول‌ها و مسائل فلسفی روبرو می‌شوند و به شرط خاصی نیاز ندارد. ۲ سؤالات معمولی را تنها باید برای لحظاتی کنار بگذاریم نه آن‌که از آن‌ها غافل بشویم. ۴ اولین مرحله، روبروشدن با مجهول‌ها و مسائل فلسفی است.

۳۱۷- گزینه ۳ تلاش‌های بشر برای ارائه پاسخ قانونمند به سؤالات فلسفی موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است.

۳۱۸- گزینه ۳ مراحل تفکر فلسفی به صورت زیر است:

روبروشدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی ← طرح پرسش‌های فلسفی ← رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال ← رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

۳۱۹- گزینه ۴ اولین بار فیثاغورس بود که از لفظ فلسفه بهره برد، اما سقراط کسی بود که این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ لفظ فلسفه لفظی عربی است - هرچند منظور ارسطو از فلسفه معنای امروزی آن نبوده است، اما به همین دانش پرداخته و اسم آن را مابعدالطبیعه قرار داده است. ۲ معنای امروزی فلسفه، دانش خاصی است که

به مسائل بنیادی می‌پردازد، در حالی که سفسطه از واژه سوفیست گرفته شده و به معنای مغالطه‌کاری است. ۳ لفظ فلسفه لفظی عربی است. - فیلو به معنای دوستداری می‌باشد و نه دوستدار.

۳۲۰- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ آن‌ها از استدلال‌هایی استفاده می‌کردند که به ظاهر درست و در واقع غلط بود. ۲ چون در استدلال‌های خود مغالطه می‌کردند به تدریج به کم‌ارزش کردن حقیقت روی آوردند، نه برعکس. ۴ در نظر آن‌ها هر کس هر چه خودش بفهمد حقیقت است و انکار نکرده‌اند که ممکن است دو نفر فهم یکسان داشته باشند.

۳۲۱- گزینه ۳ فلسفه اولی در نظر ارسطو آن بخشی از دانش بوده که امروزه فلسفه نامیده می‌شود.

وی ریاضیات را در فلسفه وسطی و طبیعیات را در فلسفه سُفلی قرار داده است.

۳۲۲- گزینه ۲ سقراط به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و شاید به خاطر همدردی نشدن با سوفیست‌ها مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و خودش را فیلسوف نامید.

۳۲۳- گزینه ۱ لفظ فلسفه ابتدا به معنی دوستداری دانایی بوده که رفته‌رفته مترادف با دانش شد، اما با گذشت زمان و پیشرفت دانش بشر بر هر یک از شاخه‌های دانش بشری نام ویژه‌ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.

۳۲۴- گزینه ۳ فیلسوفیا در ابتدا به معنای دوستداری دانایی بوده که شکل امروزی آن به معنای دانش خاص فلسفه است.

سوفیست در ابتدا دارای معنای دانشمند بوده که امروزه به معنای مغالطه‌کار است. فیلسوفوس در ابتدا به معنای دوستدار دانش بوده که امروزه به معنای دانشمند فلسفه است.

۳۲۵- گزینه ۳ واژه فلسفه یا فیلسوفیا در ابتدا به معنی دوستداری دانایی بوده و اختصاص به این دانش نداشته و در مورد تمامی دانش‌ها مطرح بوده است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ سقراط استفاده از این کلمه را عمومی کرد. ۲ فیلو به معنای دوستداری و سوفیا به معنای دانایی است. ۴ فلسفه امروزه به معنای یک دانش خاص است.

۳۲۶- گزینه ۳ ارسطو نیز مانند سقراط از لفظ فلسفه در معنای مطلق دانش بهره می‌برده است.

شاگردان ارسطو هنگام تنظیم آثار استاد خود، مباحث فلسفی را بعد از بخش طبیعیات یا فیزیک آورده‌اند، به همین جهت این بخش به مابعدالطبیعه نیز مشهور شد.

۳۲۷- گزینه ۳ سوفیست‌ها در استدلال‌های خود از مغالطات بهره می‌بردند که در ظاهر درست به نظر می‌رسید، اما در واقع غلط بود.

۳۲۸- گزینه ۳ سقراط احتمالاً به خاطر همدردی نشدن با سوفیست‌ها مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و از این‌رو خود را فیلسوفوس نامید.

**نکته**  
دلیل قطعی سقراط برای عدم پذیرش لقب سوفیست، تواضع و فروتنی وی در برابر دانایی بود.

۳۲۹- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ آن‌ها مهم‌ترین هدف خود را غلبه بر حریف می‌دانستند. ۲ از مغالطاتی بهره می‌بردند که در ظاهر درست و در واقع غلط بود. ۴ آن‌ها برای واقعیت و حقیقت اهمیتی قائل نبودند.

۳۳۰- گزینه ۲ فلسفه از روشی صرفاً عقلی برای حل مسائل خود بهره می‌برد که از همین روش در ریاضی نیز استفاده می‌شود.

- ۳۳۱- گزینه ۱ اساساً هر دانشی از دو جهت با سایر دانش‌ها متفاوت است:  
 (۱) از جهت موضوعی که آن دانش مورد بحث قرار می‌دهد.  
 (۲) از جهت روشی که آن دانش مورد استفاده قرار می‌دهد.
- ۳۳۲- گزینه ۱ روش تحقیق و بررسی مسائل فلسفی از نوع روش عقلی محض می‌باشد و نه روش‌های تجربی.
- ۳۳۳- گزینه ۱ حل مسائل فلسفی برخلاف علوم تجربی صرفاً با تفکر عقلانی محض ممکن است و از این جهت فلسفه بیشترین شباهت را با ریاضی دارد، چراکه مسائل ریاضی نیز صرفاً با تفکر عقلانی بررسی می‌گردند.
- ۳۳۴- گزینه ۳ سؤال مطرح‌شده در این گزینه به دلیل آن‌که به موضوعی بنیادی در عرصه هستی پرداخته سؤالی فلسفی می‌باشد. تنها روش رسیدن به پاسخ در فلسفه همان روش عقلی و قیاسی می‌باشد.
- ۳۳۵- گزینه ۳ فلسفه درباره بنیادی‌ترین و نهادی‌ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخگوی عمیق‌ترین دغدغه‌های بشری است.
- بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در بعضی علوم دیگر هم از قیاس بهره برده می‌شود. ۲ در علوم دیگر هم به دنبال پاسخگویی به سؤالات هستیم. ۴ علم ریاضی هم از همان روش فلسفه بهره می‌برد.
- ۳۳۶- گزینه ۱ سایر علوم هر کدام به موضوعی خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند، اما فلسفه درباره بنیادی‌ترین و نهادی‌ترین موضوعات جهان و انسان بحث می‌نماید.
- ۳۳۷- گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ آن‌چه در فلسفه مورد مطالعه قرار می‌گیرد پایه و اساس علوم دیگر است. ۲ علوم دیگر هم جهان و انسان را بررسی می‌کنند، اما فلسفه به دنبال اصل جهان و انسان است. ۳ در جامعه‌شناسی نیز از نوعی روش تجربی بهره می‌بریم.

**نکته ۱** با حذف کردن حد وسط می‌شود به نتیجه رسید.

**نکته ۲** حد وسط باید هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوا تکرار شود. اگر از لفظ مشترک استفاده کنیم، ولی معنای متفاوتی را قصد کنیم، دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» شده‌ایم و اساساً قیاسی شکل نگرفته است.

شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس «تکرار حد وسط» است.

**مثال** در باز است.

باز پرنده است.

در پرنده است.

ایراد این قیاس این است که «باز» با معنی‌های متفاوتی در حد وسط تکرار شده است؛ پس حد وسط از نظر محتوایی یکی نیست. رضا در کشتی است.

کشتی حرکت می‌کند.

رضا حرکت می‌کند.

در این استدلال حد وسط از نظر لفظی متفاوت است. (در کشتی و کشتی)

**تست** اگر مقدمه (۱) «حیوان حساس است» و مقدمه (۲) «حیوان جاندار است»، باشد، کدام شکل قیاس اقترانی را داریم و نتیجه چگونه است؟

(۱) شکل سوم - حساس‌ها جاندار هستند.

(۲) شکل چهارم - جاندارها حساس هستند.

(۳) شکل سوم - جاندارها حساس هستند.

(۴) شکل چهارم - حساس‌ها جاندار هستند.

**پاسخ** چون حیوان حد وسط است و در دو مقدمه موضوع قرار گرفته است، پس شکل سوم قیاس را داریم. در قیاس اقترانی، موضوع نتیجه از مقدمه اول می‌آید و محمول آن از مقدمه دوم، پس گزینه «۱» درست است.

**نکته** مقدمه اول آن مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه و مقدمه دوم آن است که محمول نتیجه در آن باشد. در بعضی تست‌ها ممکن است این دو مقدمه به ترتیب نیامده باشند، در این صورت باید از طریق موضوع و محمول نتیجه ترتیب آن‌ها را مشخص کنیم.

### قانون نتیجه‌قیاس

برای رسیدن به نتیجه در قیاس اقترانی، این قدم‌ها لازم است:

۱ حد وسط را حذف کنید.

۲ موضوع نتیجه از مقدمه اول می‌آید و محمول از مقدمه دوم.

۳ برای کیفیت نتیجه یادتان باشد اگر یکی از مقدمه‌ها (سالبه) باشد، نتیجه هم سالبه است.

### دامنه‌مصادیق موضوع و محمول

اگر یادتان باشد، سور کلی، همه مصادیق موضوع را در نظر می‌گیرد.

در درس ۶ گفتیم؛ سور جزئی، بعضی مصادیق موضوع را در نظر می‌گیرد.

این برای موضوع قضیه بود، اما برای محمول قضیه هم یک قانون کلی داریم:

برای محمول قضیه: اگر قضیه سالبه باشد، همه مصادیق محمول را در نظر داریم.

اگر قضیه موجه باشد، بعضی مصادیق محمول را در نظر داریم.

## قیاس اقترانی

درس ۸

وقتی دو قضیه حملی بخشی داشته باشند (موضوع یا محمول) که مشترک باشد، می‌توان از آن‌ها نتیجه گرفت، در این حالت موضوع یا محمول یکی با قضیه دیگر قرین (نزدیک، هم‌نشین) است؛ به همین دلیل به این نوع نتیجه‌گیری «قیاس اقترانی» می‌گویند.

**مثال** مقدمه (۱): آب مایع است.

مقدمه (۲): مایع بخار می‌شود.

نتیجه: آب بخار می‌شود.

### اشکال قیاس اقترانی

به این جزء مشترک که در هر دو مقدمه قیاس اقترانی وجود دارد، حد وسط گفته می‌شود. براساس جایگاه حد وسط در دو مقدمه، چهار شکل قیاس اقترانی پدید می‌آید.

شکل اول	شکل دوم
مقدمه اول: - الف ب -	- الف ب -
مقدمه دوم: - ب ج -	- ج ب -
نتیجه: - الف ج -	- الف ج -
شکل سوم	شکل چهارم
مقدمه اول: - ب الف -	- ب الف -
مقدمه دوم: - ب ج -	- ج ب -
نتیجه: - الف ج -	- الف ج -

موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول نتیجه از مقدمه دوم به دست می‌آید.

۳) اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت (+) داشت، در مقدمات نیز باید علامت (+) داشته باشد.

دامنهٔ مصادیق تمامی اجزای قیاس را با علامت مثبت و منفی مشخص می‌کنیم و شرط سوم (اگر موضوع یا محمول در نتیجه دارای علامت مثبت بودند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند) را بررسی می‌کنیم.

بعضی ب - الف + نیست.	هیچ شیری پلنگ نیست.
هر ب + ج - است.	بعضی شیرها گریه‌سان - اند.
بعضی الف - ج + نیست.	بعضی پلنگ‌ها گریه‌سان + نیستند.
(قیاس نامعتبر است.)	(قیاس نامعتبر است.)
هر ب + الف - است.	بعضی الف - ب + نیست.
بعضی ج - ب + نیست.	بعضی ب - ج - است.
بعضی الف - ج + نیست.	بعضی الف - ج + نیست.
(قیاس نامعتبر است.)	(قیاس نامعتبر است.)

این ۳ شرط به علاوهٔ شرط‌های قبلی (یعنی شرایط حد وسط و قانون نتیجه‌گیری) باعث می‌شود قیاس ما معتبر باشد، اگر حتی یک شرط نبود، قیاس نامعتبر است.

**مثال** از میان قیاس‌های زیر با بررسی شرایط، معتبر یا معتبر نبودن هر کدام را مشخص کنید.

- هیچ الف ب نیست. هر الف ب است. بعضی ب الف نیست.
- هیچ ب ج نیست. بعضی ب ج نیست. هر ب ج است.
- هیچ الف ج نیست. بعضی الف ج نیست. بعضی الف ج نیست.

**پاسخ**

استدلال (۱) نامعتبر است، چون هر دو مقدمه سالبه است. ← شرط (۱) را ندارد.

استدلال (۲) نامعتبر است، شرط (۱) را دارد؛ یعنی مقدمهٔ (۱) موجه است، ولی حد وسط در هر دو مقدمه (-) است.

استدلال (۳) نامعتبر است، شرط (۱) را دارد (یکی از دو مقدمه موجه است) شرط (۲) را دارد (ب در مقدمهٔ (۲) مثبت است)، ولی شرط (۳) را ندارد، زیرا (ج) در نتیجه (+) دارد، ولی در مقدمه‌ها (-) است.

**نکته ۱** به موضوع یا محمولی که در نتیجه منفی هستند کاری نداشته باشید.

**نکته ۲** قانون نتیجهٔ قیاس را یادتان نرود چک کنید، فقط این سه شرط کافی نیست.

**تست** در استدلال قیاسی «بعضی خودکارها آبی هستند. بعضی آبی‌ها لباس هستند، پس بعضی از خودکارها لباس هستند.» چه دلیلی باعث نادرستی نتیجه‌گرفتن شده است؟

(۱) حد وسط در دو گزینه به یک معنا نیامده است.

(۲) مقدمات سالبه هستند.

(۳) حد وسط در مقدمه‌ها علامت مثبت ندارند.

(۴) علامت مثبت برای موضوع و محمول در نتیجه و مقدمات تطبیق نمی‌کند.

**پاسخ** گزینهٔ «۳» حد وسط قرار بود در یکی از مقدمه‌ها علامت مثبت داشته باشد. این‌جا حد وسط در هر دو مقدمه منفی است، پس استدلال نامعتبر است.

هر جا همهٔ مصادیق مورد نظر بود از (+) و هر جا بعضی مصادیق مورد نظر بود از (-) استفاده می‌شود.

**مثال**

(۱)	هر	الف	ب	(-)	است.
		(+)	(-)	←	موجبهٔ کلی
	هر	انسانی	جاندار	(-)	است.
(۲)	بعضی	الف	ب	(-)	است.
		(-)	(-)	←	موجبهٔ جزئی
	بعضی	درختان	میوه	(-)	دارند.
		(+)	(+)		
(۳)	هیچ	الف	ب	(+)	نیست.
		(+)	(+)	←	سالبهٔ کلی
	هیچ	انسانی	بال	(+)	ندارد.
		(-)	(+)		
(۴)	بعضی	الف	ب	(-)	نیست.
		(-)	(+)	←	سالبهٔ جزئی
	بعضی	جانداران	ماهی	(-)	نیستند.

**نکته** اگر قضیه شخصیه بود (یعنی موضوع آن جزئی بود) همواره همهٔ مصادیق مد نظر است، زیرا در این قضایا همواره مصادیق مشخص است، ولی محمولش مثل قضایای دارای سور است!

**مثال**

(+)	(-)	(+)	(+)	(+)
سقراط	انسان	است	و	ابن سینا
				تاجر
				نیست.

**شرایط معتبربودن قیاس**

چند نکته از قبل داشتیم، حالا چند شرط هم به آن‌ها اضافه می‌شود:  
**(۱) حداقل یکی از مقدمات موجه باشد.** (با دو قضیهٔ سالبه نمی‌شود نتیجه گرفت.)

برای بررسی اعتبار قیاس اقتزانی، نخست شرط اول (هر دو مقدمه نباید سالبه باشند) را بررسی می‌کنیم.

هیچ الف ب نیست.	هیچ اسبی بالدار نیست.
هیچ ب ج نیست.	هیچ بالداري سم‌دار نیست.
هر دو مقدمه سالبه هستند.	هیچ اسبی سم‌دار نیست.
(قیاس نامعتبر است.)	(قیاس نامعتبر است.)

**(۲) حد وسط حداقل در یکی از مقدمه‌ها باید علامت (+) داشته باشد** (حد وسط اگر در هر دو مقدمه منفی باشد، نتیجه معتبر نیست.)

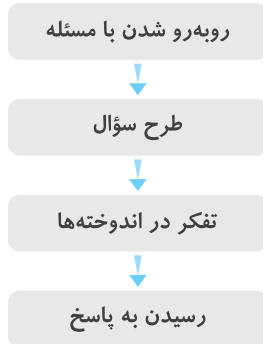
اگر هر دو مقدمه سالبه نبودند، به سراغ این شرط (حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد)، می‌رویم. برای این کار دامنهٔ مصادیق حد وسط را تعیین و آن‌ها را با علامت مثبت، منفی مشخص می‌کنیم.

هر الف ب - است.	هر پدیده‌ای حیوان - است.
بعضی ب - ج نیست.	بعضی حیوانات - آبی هستند.
حد وسط در هر دو مقدمه، منفی است.	بعضی پرندگان آبی هستند.
(قیاس نامعتبر است.)	(قیاس نامعتبر است.)

۲ **تعریف تفکر:** تفکر واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش به پاسخ است.

۳ **با قدرت تفکری که** ← پاسخ سؤالات را می‌یابیم.  
**خداوند به ما داده است:** ← امور روزانه خود را سامان می‌دهیم.

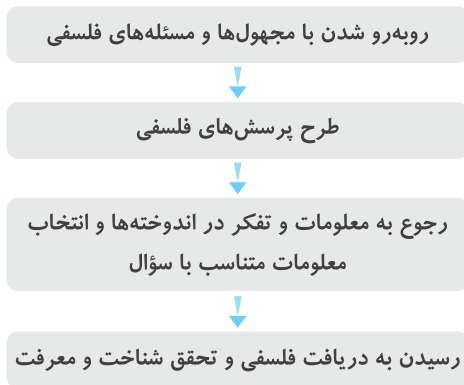
**نتیجه** بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست.  
 می‌توان مراحل اندیشه‌ورزی را به صورت زیر نشان داد:



### دو مرتبه از تفکر

۱) **مرحله اول تفکر:** زمانی که انسان در پی پاسخ به سؤالات روزانه و معمولی است در مرحله اول تفکر قرار دارد؛ به این مرحله، **تفکر غیر فلسفی** هم می‌گویند.  
 ۲) **مرحله دوم تفکر:** اگر انسانی از این مرحله (اول) عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دسته دوم (سؤالات اساسی) پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شده است که به آن **تفکر فلسفی** می‌گوییم.

برای ورود به تفکر فلسفی فرقی نمی‌کند انسان کارگر یا فیزیک‌دان یا پزشک باشد، همین که پرسش‌های اساسی را **جدی بگیرد** و به دنبال پاسخ آن‌ها بگردد، در حال تمرین «تفکر فلسفی» است.  
 مراحل تفکر فلسفی را هم می‌توان این‌گونه نمایش داد:



### نظر ملاصدرا

ملاصدرا در مورد این دو مرتبه از تفکر، اصطلاح دیگری دارد:  
 ۱) **فطرت اول:** مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها ← مرتبه اول تفکر  
 ۲) **فطرت ثانی:** ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها ← مرتبه دوم تفکر  
 ملاصدرا مانند در فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد بکوشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.



اول از همه بیایید در مورد چند مسئله که همیشه پیرامون ما مطرح است و شما هم به آن‌ها حتماً توجه کرده‌اید، حرف بزنیم و توانایی گفت‌وگوی خودمان را در آن‌ها ارزیابی کنیم:

انسان در زندگی روزمره‌اش معمولاً مسئله‌هایی برای حل کردن دارد، مثل امروز چی بپوشم؟ چه کاری اولویت دارد؟ یا چه غذایی بخورم و مسائلی مثل این‌ها.  
 اما به غیر از این مسئله‌های ساده و روزمره، بعضی وقت‌ها با سؤالات اساسی روبه‌رو می‌شویم که می‌توانیم ساعت‌ها در مورد آن‌ها فکر کنیم و دنبال جواب بگردیم.

- مثال:**
- ← مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟
  - ← آیا اصولاً آزادی را با برابری می‌شود جمع کرد؟
  - ← چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟
  - ← آغاز و انجام جهان چیست؟ عشق و دوستی چیستند؟

### انسان و تفکر

۱ یکی از ویژگی‌های انسان، پرسشگری است؛ مثلاً کودکان از همان ابتدای زندگی با گفتن کلمه «چرا» کنجکاو خود را نشان می‌دهند و دنبال جواب سؤال‌هایشان می‌گردند، حتی سؤالات ساده مثل این که «امروز به دانشگاه بروم یا کتابخانه؟» نشان‌دهنده این است که انسان به دنبال دانستن و انتخاب کردن است.

جدول تحول معنایی لغات		
معنی امروزی	معنی ابتدایی	کلمه
دانش فلسفه	دوستداری دانایی	فلسفه (فیلسوفیا)
دانشمند فلسفه	دوستدار دانایی	فیلسوف
مغالطه کاری	—	سفسطه
مغالطه کار	دانشمند	سوفیست

### فلسفه و ارسطو

ارسطو مانند سقراط از کلمه فلسفه به معنی دانش استفاده می کرد و تقسیم بندی زیر را از آن ارائه می داد.



شاگردان ارسطو در هنگام تنظیم آثار خود، نوشته های فلسفی را بعد از بخش طبیعیات قرار دادند، به همین جهت این بخش به مابعدالطبیعه مشهور شد.

### ویژگی های فلسفه

- اساساً هر دانشی از دو جهت با سایر دانش ها تفاوت دارد: از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد.
- از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می کند.

### ۱. موضوع فلسفه: بنیادی ترین موضوعات

- هر علمی در مورد موضوع خاصی صحبت می کند: ریاضی درباره مقدار و کمیت، شیمی درباره ساختمان مواد و ترکیب میان آن ها، اخلاق در مورد چگونگی کسب فضیلت و دوری از بدی ها.
- اما فلسفه این گونه نیست؛ یعنی فلسفه در مورد بنیادی ترین و نهادهی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخگویی عمیق ترین دغدغه های بشری است.
- فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان کاوش می کند و این ها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می روند.

### ۲. روش فلسفه: استفاده از روش عقلی و قیاسی

- برای کسب دانش در برخی علوم از تجربه استفاده می کنیم، مثل فیزیک، شیمی، زیست شناسی، اقتصاد و جامعه شناسی.
- اما در مسائل فلسفی نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد، زیرا مربوط به اصل و اساس جهان و انسان است. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال عقلی تکیه کرد و با تفکر عقلی و تجزیه و تحلیل دانسته ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد.
- مسائل فلسفی از این جهت مثل مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آن ها کمک نمی کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله ها دست یافت.

### دانش فلسفه

**۱ با دقت در سؤال های مرتبه دوم (سؤال های اساسی) درمی یابیم:** این قبیل سؤالات مربوط به موضوعات اساسی است. بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع کننده برای آن ها، تصمیم گیری انسان به نتیجه روشنی نمی رسد.

**۲ منشأ شکل گیری دانش فلسفه:** تلاش های بشر برای پاسخ قانونمند به پرسش های اساسی موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است. وظیفه دانش فلسفه: دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند سؤال های اساسی و بنیادی است.

**۳ از روزهای آغازین حیات فکری انسان، افرادی اهمیت این قبیل پرسش ها را دریافته اند و با دقت و تأمل فراوان برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.**

### واژه فلسفه

لفظ فلسفه ریشه یونانی دارد. این لفظ عربی شده (معرب) کلمه فیلسوفیا است.

**فیلسوفیا مرکب از دو کلمه است:** فیلو: دوستداری  
سوفا: دانایی

پس کلمه فیلسوفیا یا همان فلسفه در ابتدا به معنی «دوستداری دانایی» بوده است.

واژه فلسفه در آن زمان ها (یونان باستان) اختصاص به این دانش خاص امروزی نداشت و همه دانش ها را شامل می شد.

کسی که این واژه را سر زبان ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان، «سقراط» بود. (احتمالاً فیثاغورس اولین بار این لفظ را به کار برد).

دانشمندان قبل از سقراط، خود را «سوفیست» یعنی «دانشمند» می خواندند. دغدغه سوفیست ها که بیشتر شغلشان تعلیم سخنوری بود، بیان واقعیت و دفاع از حقیقت نبود. این گروه مهم ترین هدف را پیروزی بر رقیب می دانستند و در استدلال خود مغالطه می کردند. مغالطه، استدلالی به ظاهر درست، اما در واقع غلط است.

این کار سوفیست ها باعث شد به تدریج آن ها برای حقیقت و واقعیت ارزش قائل نباشند و بگویند هر کس هر چه خودش می فهمد همان حقیقت و واقعیت است!! بعدها کلمه سوفیست معنی خودش را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خودش گرفت. کلمه «سفسطه» در عربی که به معنی مغالطه کاری است از کلمه «سوفیست» گرفته شده است.

چرا سقراط خود را سوفیست نخواند و از لفظ فیلسوف، یعنی دوستدار دانش استفاده کرد؟

سقراط به دلیل تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و شاید به خاطر هم ردیف نشدن

با سوفیست ها مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و خودش را فیلسوفوس، یعنی «دوستدار دانش» نامید.

### تحول معنای کلمه فلسفه

فلسفه به معنی دوستداری دانایی

فلسفه به معنی مطلق دانش

فلسفه به معنی دانش خاص

به تدریج کلمه فیلسوف به مفهوم دانشمند ارتقا پیدا کرد و کلمه فلسفه مترادف با دانش شد.

با گذشت زمان و پیشرفت دانش های مختلف بر هر یک از شاخه های دانش نام ویژه ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.